

نگاه کنید!

به اطراف خود خوب نگاه کنید. به دنیای پس از فروپاشی بلوک شرق، به دنیای پس از ۱۱ سپتامبر، به «دنیای بدون دشمن مخوف» نگاه کنید. دنیایی که در آن دیگر درب، بر پاشنه سابق نمی‌چرخد. دنیایی که در آن، دیگر نیازی به موازین حقوقی و قانونی برای تنظیم مناسبات دول بورژوا در روابط بین‌الملل نیست. دنیایی که در آن، دیگر دلیلی برای اتحاد تعدادی از دول بر علیه تعدادی دیگر وجود ندارد. دنیایی که در آن دیگر، ترسی بر گرگها و درندگان از یکدیگر مستولی نیست. به تدارک هجوم مجهزترین ارتش جهان به سوی افغانستان بدبخت نگاه کنید. به فاجعه‌ای که در راه است نگاه کنید. به خیل کودکان، زنان و مردانی که قرار است آواره بیابانهای افغانستان بی‌چیز گردند. مردمی که باید تمام هستی خویش را بدوش گرفته و سرگردان بیابانهای برهوت شوند. مردمی که باید بسرعت کلبه‌های گلی خود را رها کرده و از دیار فلاکت‌زده خویش بگریزند. آن زمین‌های سوخته باید هرچه زودتر تبدیل به پایگاههای نظامی و لجیستیکی ارتش امریکا گردد. ورنه هستی، به گونه‌ای که جورج بوش میگوید، در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. ورنه، تمام تمدن و سبک زندگی غربی به وسیله یک جنگ شیمیایی مرموز، و یا بواسطه عملیات تروریستی دهشتناک در هر نقطه ممکن به گرداب خون و آتش فرو خواهد رفت. در هر حال این روایت حزب جمهوریخواه امریکا و حزب کارگر انگلیس از دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر است.

دشمنی مخوف و تاریک اندیش بر فراز «جهان متمدن» به پرواز در آمده است. دشمنی آفریده و ساخته و پرداخته شده همین جهان متمدن. همین دشمن است که بی‌خاصیتی و از کار افتادگی تاریخی نهادهای بین‌المللی و پایگاههای استراتژیک امریکا در پس از فروپاشی شرق را بیش از پیش ضروری می‌سازد. همین دشمن است که حضور نظامی امریکا در افغانستان برای تامین نیاز آتی غرب به نفت ارزان آسیای میانه را تامین خواهد کرد.

همین دشمن است که «جنگ تمدن‌ها» را جانشین جنگ سرد می‌کند. اما نه آن جنگ سابق، بدانگونه که نام گرفت، جنگی سرد بود، و نه جنگی که امروز با هجوم ارتش امریکا به خاورمیانه قرار است بپا شود، «جنگ تمدن‌ها» است. جنگ میان بلوک شرق و غرب، جنگی بود خونین و شعله‌ور در مناطق کانون بحران. جنگهای منطقه‌ای و ملی پی‌درپی برای دستیابی به بازارها و تامین سود صنایع نظامی و مصرفی. آن جنگ، سرد بود، تنها بدین خاطر که طرفین اصلی آن نه در خط مقدم، بلکه در پشت جبهه‌های آتش، درگیر جدال ایدئولوژیک و تبلیغاتی علیه یکدیگر بودند.

پس از فروپاشی شرق اما چه عاملی باید غرب را همچنان متحد نگاه میداشت؟ کدام دشمن، با هویتی ایدئولوژیک، میتواندست به هویت سابق «بلوک متحد غرب» تداوم بخشد؟ چه چیزی باید توافق نظامی و هژمونی سیاسی آمریکا بر غرب را تامین میکرد؟ اینها پرسش‌هایی بودند که پاسخ‌شان توسط نظریه‌پردازان دستگاه ایدئولوژیک حاکم، همچون فوکویاما و هانتینگتن داده شد: جنگ تمدنها، جنگ فرهنگ‌ها.

جنگ دنیای متمدن غربی علیه توحش شرقی. جنگی که بسرعت در حال جانسخت شدن به جای جنگ سرد سابق است. جنگی که هدف مرحله‌ای آن عبارت است از تامین مواد خام و بویژه نفت غرب به قیمت ارزان، ارزان و آرام نگاه داشتن طبقه کارگر از طریق میلیتاریزه کردن محیط کار در کشورهای پیرامونی و فشار راسیستی و تفرقه میان کارگران در غرب، ایجاد بازار برای صنایع نظامی و بالاخره از میان برداشتن دول گردنکشی که نیازهای سرمایه جهانی در این برهه از تاریخ را درک نمی‌کنند. جنگی که مقدمات و نقشه عمومی آن پیشاپیش بوسیله گردانندگان و نظریه‌پردازان سیستم حاکم طراحی شده است. جنگی که به گفته سرفرماندهی آن، جورج دبلیو بوش، قرار است تا جنگ میان پلیدی و نیکی، یک جنگ دراز مدت باشد. جنگ سرد یا جنگ تمدنها، جنگ ملی و یا جنگ رسمی همانند جنگ ایران و عراق. مهم نیست. جنگ، جنگ است. جنگ نعمتی است برای خمینی، بن‌لادن و جورج بوش و تونی بلر و نکبتی آغشته به فاجعه، برای مردم و کارگران. در هر جنگ قبل از هرچیز، این فرزندان کارگران هستند که گروه گروه کشته میشوند. در هر جنگ سرمایه‌داری، این ملیت و قوم یا نژاد است که عامل بسیج عمومی است. در هر جنگ، دسته‌بندی میان ملیت‌ها و تهدید دشمن خارجی است که همبستگی طبقه کارگر در کل صنایع تولیدی و خدماتی را از میان برده و تولید بیشتر و سطح پایین زندگی را بر آنان تحمیل می‌سازد. جنگ یکی از ملزومات و نیازهای دایمی نظام سرمایه‌داری بوده و میباشد.

موج راست و نژادپرستی در حال تسخیر کلیت سیستم سیاسی سرمایه است. موجی که می‌خواهد تا ۳۰۰ میلیون از مردم در پایگاههای اصلی سرمایه‌داری را بر علیه چند میلیارد دیگر سازمان دهد. به دنیای پس از ۱۱ سپتامبر نگاه کنید. به دنیای شعبده رسانه و رایانه، به امواج تبلیغات کرکننده نگاه کنید. ببینید که چگونه تمامی دانشمندان، حقوقدانان، قلم‌بدستان و مطبوعات مزد بگیر، هر یک گوشه‌ای از این صحنه فجیع را آذین می‌کنند. به اطراف خود نگاه کنید:

«از تمامی روزنه‌های نظام سرمایه‌داری خون و چرک و کثافات می‌بارد». نگاه کنید!